



اثربخشی بسته آموزشی توان‌بخشی روان‌شناختی بر میل به طلاق و صمیمیت زناشویی در زوجین در حال طلاق

The Effectiveness of Psychological Rehabilitation on Divorce Tendency and Marital Intimacy among Divorcing Couples

Bitā Agahi
Mohsen Golparvar
Hadi Farhadi

بی‌تا آگاهی*
محسن گل‌پرور**
هادی فرهادی

Abstract

The aim of this study was to determine the effectiveness of psychological rehabilitation on divorce propensity and marital intimacy in couples who divorce. It was a practical and semi-experimental study with a pretest, a posttest, and a follow-up with a control group. Out of 300 couples divorcing in Isfahan in the autumn of 2019, 40 couples were randomly selected and then randomly assigned to an experimental group and a control group. The Divorce Tendency Scale (DTS) and Intimacy Scale (IS) were used to collect data. The experimental group was trained through a validated curriculum package during the ten sessions. Data were analyzed by repeated measures analysis of variance using SPSS 24 software. The results of the repeated measures analysis of variance showed that the propensity to divorce ($p < 0.01$) and marital intimacy ($p < 0.01$) of the couples in the experimental group were significantly lower and higher, respectively, than those in the control group in the posttest and follow-up phases. The results of the study confirm the effect of psychological rehabilitation training on reducing the propensity to divorce and improving marital intimacy. It is suggested that psychological rehabilitation training should be used in counseling centers for couples who are divorcing.

Keywords: Rehabilitation Psychological, Divorce, Tendency to Divorce, Marital Intimacy.

چکیده

هدف این پژوهش تعیین اثربخشی بسته آموزشی توان‌بخشی روان‌شناختی بر میل به طلاق و صمیمیت زناشویی در زوجین در حال طلاق بود. این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نوع نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری با گروه کنترل بود. از میان ۳۰۰ زوج در آستانه طلاق شهر اصفهان در پاییز سال ۱۳۹۸، تعداد ۴۰ زوج به شیوه در دسترس انتخاب شدند و به‌طور مساوی در دو گروه آزمایش و گروه گواه قرار گرفتند. به‌منظور گردآوری داده‌ها از پرسشنامه میل به طلاق (DTS) و صمیمیت زناشویی (IS) استفاده شد. گروه آزمایش طی ده جلسه به کمک بسته آموزشی تدوین‌شده تحت آموزش قرار گرفتند. داده‌ها نیز از طریق تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر و با استفاده از نرم‌افزار SPSS 24 تحلیل شدند. نتایج نشان می‌دهد سطح میل به طلاق ($p < 0.01$) و صمیمیت زناشویی ($p < 0.01$) زوج‌های گروه آزمایش در مرحله پس‌آزمون و پیگیری در مقایسه با گروه گواه به‌صورت معناداری به ترتیب پایین و بالاتر است. یافته‌های پژوهش اثربخشی بسته آموزشی توان‌بخشی روان‌شناختی بر کاهش میل به طلاق و ارتقای صمیمیت زناشویی زوج‌های در آستانه طلاق را تأیید کرد. پیشنهاد می‌شود آموزش بسته توان‌بخشی روان‌شناختی در مراکز مشاوره برای زوج‌های در معرض طلاق استفاده شود.

واژه‌های کلیدی: توان‌بخشی روان‌شناختی، طلاق، میل به طلاق، صمیمیت زناشویی.

* دانشجوی دکتری روان‌شناسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران
** نویسنده مسئول: دانشیار گروه روان‌شناسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران
*** استادیار گروه روان‌شناسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

مقدمه

خانواده نهادی است که از گذشته تاکنون اساسی ترین نظام تحول و شکوفایی انسان‌ها بوده است (ویسینگ و همکاران، ۲۰۲۱). اگرچه شکل‌گیری این نهاد مقدس با ازدواج شروع می‌شود، آنچه از خود ازدواج مهم‌تر است، موفقیت و پایداری آن است. در برخی ازدواج‌ها روابط زوجین به مرور دچار تعارض می‌شود و ممکن است به صورت سوءرفتار با همسر، نداشتن صمیمیت و تعهد و درگیری لفظی و فیزیکی میان زوجین بروز کند و در نهایت به طلاق^۱ منجر شود (کریبت، اسمیت، آچینو، باکوم و نیلی‌مور، ۲۰۲۰). طلاق در بیشتر موارد به عنوان انحلال قانونی پیوند ازدواج تعریف و معمولاً پس از یک دوره اختلال یا نابسامانی در روابط زناشویی واقع می‌شود (فالس، ۲۰۲۱). آشفتگی روابط با همسر، گسستگی خانواده بر اثر متارکه یا طلاق یکی از طبقات پنجمین ویرایش راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی انجمن روان‌پزشکی آمریکا^۲ را شامل می‌شود. این طبقه را باید در مواردی به کار برد که زوجین به دلیل مشکلات در روابط، جدا از هم زندگی می‌کنند یا در حال متارکه هستند (انجمن روان‌پزشکی آمریکا، ۱۳۹۴). آمارهای رسمی ازدواج و طلاق ایران نیز نشان‌دهنده افزایش سالانه طلاق است؛ به طوری که براساس آمار ارائه شده در سال ۱۳۹۵، تعداد ۸۰۳۶۶۰ ازدواج و ۱۸۱۰۵۳ طلاق در کشور ثبت شده است؛ یعنی به ازای هر پنج ازدواج یک طلاق.

در همین بازه زمانی براساس آمارهای ارائه شده در استان اصفهان، ۳۵،۳۹۵ ازدواج و ۱۱،۰۶۱ طلاق ثبت شده است (سایت سازمان ثبت‌احوال کشور، ۱۳۹۵). عوامل متعددی در بروز طلاق از جمله عوامل اقتصادی، اجتماعی، حقوقی، روان‌شناختی و عوامل تنش‌زای درونی و بیرونی مؤثر هستند (کاظمی‌پور و خوشنویس، ۱۳۹۲). در این میان، عوامل روان‌شناختی از جمله میل به طلاق^۳ و صمیمیت^۴ اهمیت ویژه‌ای دارند (پراونچر، بیگن، گایروارد، ترامبلی و بوین، ۲۰۰۸). براساس مطالعات امروزه آمار کسانی که میل به طلاق دارند، بیشتر از آمار طلاق است. مقصود از مفهوم میل به طلاق میزان تمایل و علاقه‌مندی زوجین به جداشدن و گسستن روابط زناشویی طی مراحل قانونی است (دهقانی ششده و یوسفی، ۱۳۹۸). این مفهوم سه بعد شناختی، عاطفی و رفتاری دارد که بعد شناختی تصورات فرد درباره طلاق، بعد عاطفی احساسات و عواطف مثبت و منفی فرد به طلاق و در نهایت بعد رفتاری میزان آمادگی رفتاری فرد را علیه یا له طلاق شامل می‌شوند (یانگ و لانگ، ۲۰۰۷). براساس مؤلفه‌های اشاره شده، تصمیم به طلاق نتیجه فشار درونی شدیدی است که حداقل به یکی از همسران وارد می‌شود و ممکن است با برآورده نشدن نیازها یا اهداف، شیوه‌های مقابله‌ای ضعیف، مدیریت نکردن حوادث زندگی یا ناتوانی در انتقال احساسات به همسر باشد (روزی، هولتزورث مونرو و راد، ۲۰۱۶).

نقطه مقابل میل به طلاق، حفظ رابطه‌ای مثبت، سازنده و صمیمانه در روابط زناشویی است. داشتن روابط

-
1. divorce
 2. diagnostic and statistical manual Of mental disorder
 3. desire to divorce
 4. intimacy

صمیمانه در زندگی زناشویی، مهم‌ترین چالش عاطفی در زندگی زوجین و از عوامل مهم ایجاد ازدواج‌های پایدار است (میرگین و کوردوا، ۲۰۱۷). زوجینی که میزان صمیمیت بیشتری در روابط دارند، می‌توانند نیازهای خود را به شکل مؤثرتری به همسر خود ابراز کنند و از رضایت زناشویی بیشتری برخوردارند (پاتریک، سلز، جیوردانو و تولراد، ۲۰۰۷). در مقابل نداشتن صمیمیت موجب شکست در زندگی خانوادگی می‌شود و بر سایر نقش‌های زوجین مانند نقش والدینی و نقش کاری اثر می‌گذارد (مینوت، پدرسون و مانون، ۲۰۱۰): به‌طوری‌که زوجین در آستانه طلاق در بیشتر موارد یکی از مهم‌ترین دلایل خود برای درخواست طلاق را بی‌توجهی یا کم‌توجهی همسر یا به عبارتی صمیمیت کم و روابط سرد و عاری از محبت اعلام می‌کنند (زاهد بابلان، حسینی شورابه، پیری کامرانی و دهقان، ۱۳۹۴؛ هالفورد، ساندرز و برنز، ۲۰۰۱). پژوهش‌ها نشان می‌دهند صمیمیت با رضایت از رابطه زناشویی همبستگی دارد (یو، بارتلی هارینگ، دی و گانگاما، ۲۰۱۴) و در عین حال یکی از عوامل پیش‌بینی‌کننده طلاق و تعارض‌های زناشویی است (کریمی، بختیاری و مسجدی، ۲۰۱۹). نقش نبود یا ضعف صمیمیت در نارضایتی زناشویی این است که وقتی زوجین با یکدیگر صمیمیت ندارند یا صمیمیت آن‌ها ضعیف است، الگوهای خصمانه و تدافعی در روابط آنان شکل می‌گیرد و همین امر سبب کاهش شدید سطح رضایت زناشویی و افزایش سطح بالای از دلزدگی زناشویی می‌شود (بین، لیدرمن، هیگینبوتام و گالیهر، ۲۰۲۰؛ جوادی والا و همکاران، ۲۰۲۱).

به دلیل اهمیتی که میل به طلاق و صمیمیت در پایداری زندگی زناشویی دارد، تاکنون تلاش‌های زیادی برای کاهش میل به طلاق و افزایش صمیمیت زناشویی انجام گرفته است. درواقع طیف متنوعی از مداخله‌های توان‌بخشی و آموزشی برای زوج‌های در حال طلاق در سراسر دنیا و در ایران استفاده شده است. در مطالعات گذشته اثربخشی بسته آموزشی پیشگیری از طلاق (احمدی خوبی، مهداد و کشتی‌آرای، ۱۳۹۷)، درمان گروهی مبتنی بر پذیرش و تعهد (بهبهانی و قربان شیروودی، ۱۳۹۹)، آموزش برنامه ارتباط زوج‌ها (حسن‌زاده پشنگ، دبیرمقدم، شریفیان و صفاری‌نیا، ۱۳۹۳)، برنامه پیشگیری و بهبود رابطه (حیدرنیا، نظری و سلیمانیان، ۱۳۹۳)، مشاوره زناشویی تلفیقی کوتاه‌مدت (خجسته‌مهر، احمدی قوزلوجه، سودانی و شیرالی‌نیا، ۱۳۹۴) و مشاوره گروهی مبتنی بر تحلیل ارتباط متقابل (علیخانی دارابی، مهربابی، حسینی دشتی و علیخانی، ۱۳۹۶) بر ارتقای صمیمیت زناشویی در افراد ناراضی از زندگی زناشویی یا زوج‌های در حال تعارض نشان داده شده است.

در کنار مطالعات مربوط به استفاده از انواع آموزش‌های مربوط برای ارتقای صمیمیت در رابطه زناشویی، مطالعاتی نیز اثربخشی رویکرد تلفیقی طرحواره درمانی مبتنی بر پذیرش و تعهد (اعلمی، تیموری، آهی و بیاضی، ۱۳۹۹)، آموزش شفقت به خود (دشت‌بزرگی، عسگری و عسگری، ۱۳۹۶)، آموزش رویکردهای تلفیقی هیجان‌مدار-گاتمن و راهبردی-راه‌حل‌محور (شاهمرادی، صادقی، گودرزی و روزبهانی، ۱۳۹۸)، آموزش رویکرد هیجان‌مدار (محمدی، اژه‌ای و غلامعلی لوسانی، ۱۳۹۷)، آموزش مهارت‌های ارتباط صمیمانه (مشتاقی، اصغرنژاد فرید و احقر، ۱۳۹۹)، معنادرمانی (نبوی‌حصار، عارفی و یوسفی، ۱۳۹۶؛ یوسفی، ۱۳۹۱)، خانواده‌درمانی مبتنی بر طرحواره‌درمانی و نظام عاطفی بوون (یوسفی، ۱۳۹۰) و آموزش الگوی ارتقای

رضایت زناشویی (یحیایی‌راد، سلیمی بچستانی، عسگری و فرح‌بخش، ۱۴۰۰) را بر کاهش میل به طلاق در زوجها از جمله زوج‌های متقاضی طلاق نشان داده‌اند.

نگاهی به مطالعات اشاره‌شده حاکی از آن است که به‌کارگیری طیف متنوعی از آموزش‌های ارتقای رابطه و پرهیز از خشونت، حل مسئله، مهارت‌های هیجانی و عاطفی، مهارت‌های ارتقای تعهد، صمیمیت و رضایت زناشویی، ارتقای پذیرش نقاط قوت ضعف شخصی و همسر در روابط، اصلاح طرحواره‌های شناختی ناسازگار در روابط زناشویی و ارتقای توان و ظرفیت معنوی در روابط می‌تواند به بهبود کیفیت، عمق صمیمیت زناشویی و کاهش میل به طلاق کمک کند. در کنار این نتایج، تأکیدات صورت‌گرفته بر آموزش‌های یکپارچه‌نگر متمرکز و هم‌زمان بر عواملی که کیفیت روابط زناشویی و به‌تبع آن شاخص‌های روابط زناشویی باکیفیت‌تر در قالب صمیمیت زناشویی بالاتر و سطح میل به طلاق پایین‌تر را ارتقا می‌بخشند، به‌طور روزافزونی در حال افزایش است (اسنایدر و میچل، ۲۰۰۸؛ امیری، اکبری امرغان و نجات، ۱۴۰۰). این تأکید گویای این است که به تناسب، لازم است مطالعاتی نیز با تمرکز بر استفاده از نتایج مطالعات معطوف به همبسته‌های روان‌شناختی میل به طلاق و جدایی، برای یکپارچه‌سازی این نتایج در قالب آموزش‌های یکپارچه‌نگر پیشینه و پژوهش‌محور انجام شود. این مهم یعنی تمرکز جامع بر طیف متنوعی از نیازهای آموزشی زوج‌های در حال طلاق، در بسته توان‌بخشی روان‌شناختی مطالعه حاضر، وجه تمایز اصلی پژوهش کنونی با مطالعات گذشته است. همبسته‌های روان‌شناختی قابل آموزش در این بسته آموزشی شامل صمیمیت، تعهد زناشویی، مهارت‌های ارتباطی، طرحواره‌های روان‌شناختی، تعارض‌های زناشویی، بهزیستی روان‌شناختی، مهارت‌های زندگی، پرهیز از خشونت خانگی، هوش هیجانی و هوش معنوی بودند. انتخاب محورهای موضوعی و آموزشی اشاره‌شده برای بسته آموزشی توان‌بخشی به‌دلیل پیوندی بوده است که هریک از متغیرهای زیر با روابط رضایت‌بخش و صمیمانه یا رضایت‌نداشتن زناشویی و درنهایت با میل به طلاق داشته و دارند (آگاهی، ۱۴۰۰)؛ متغیرهایی مانند صمیمیت (بین و همکاران، ۲۰۲۰)، تعهد زناشویی^۱ (آدامز و جونز، ۱۹۹۹؛ هو، جیانگ و وانگ، ۲۰۱۹)، مهارت‌های ارتباطی^۲ (یالسین و کاراهان، ۲۰۰۷)، طرحواره‌های روان‌شناختی^۳ (گریف و مالهرب، ۲۰۱۷)، تعارض‌های زناشویی^۴ (گاتمن و لوینسون، ۲۰۰۲)، بهزیستی روان‌شناختی^۵ (نریمانی و بخشایش، ۱۳۹۳)، مهارت‌های زندگی^۶ (رکنی لموکی، پاشا، حافظی و شمس، ۱۳۹۹)، خشونت خانگی^۷ (لی و همکاران، ۲۰۱۳)، هوش هیجانی^۸ (قربانی، حیدری‌راد و علمردانی

-
1. marital commitment
 2. relational skills
 3. initial schema
 4. marital conflict
 5. psychological well-being
 6. life skills
 7. domestic violence
 8. emotional intelligence

صومعه، ۱۳۹۵) و هوش معنوی^۱ (رحمتی و محبی، ۲۰۱۸؛ نیک‌نام و تاج، ۱۳۹۸).

متغیرهای مطرح و استفاده‌شده در بسته توان‌بخشی روان‌شناختی^۲ زوج‌های در معرض طلاق در مطالعه حاضر، مهم‌ترین و پرتکرارترین متغیرهای مرتبط با میل به طلاق همراه با صمیمیت، تعهد و رضایت زناشویی هستند؛ به این دلیل به نظر می‌رسد آموزش ارتقای مهم‌ترین همبسته‌های تضعیف‌کننده میل به طلاق در بسته‌ای یکپارچه بتواند بر کیفیت روابط زناشویی زوج‌های در معرض طلاق و به دنبال آن بر افزایش صمیمیت و کاهش میل به طلاق آن‌ها اثربخش باشد و تا حدی از فروپاشی پیوندهای زناشویی بکاهد. از نگاه ارزیابانه نیز همه مطالعات قبلی تلاشی ارزشمند را برای استفاده از آموزش‌ها و درمان‌های مختلف برای تغییر مسیر منتهی به طلاق و جدایی نشان داده‌اند؛ با این حال در بیشتر این مطالعات بر یک یا چند محور و عامل محدود مرتبط با جدایی و طلاق تمرکز شده است؛ درحالی‌که پدیده‌های معطوف به پایداری روابط زناشویی از جمله صمیمیت زناشویی پدیده‌هایی چندوجهی و نیازمند طیف متنوعی از مهارت‌های ارتباطی، هیجانی، شناختی، عاطفی و رفتاری هستند (کمالی، الهیاری، استوار، اله‌باشی و گریفیتس، ۲۰۲۰). در عین حال، تمرکز به نسبت محدود در بسیاری از مطالعات بر یک یا چند جنبه از آموزش‌ها یا درمان‌های لازم، نه تنها در مواجهه با پدیده میل به طلاق و طلاق، بلکه برای بسیاری از اختلالات روان‌شناختی نیز ممکن است در مواردی که طیف عوامل دخیل در این پدیده‌ها و از جمله میل به طلاق، ماهیت پیچیده‌تر چندوجهی داشته باشند، از میزان اثربخشی مداخلات آموزشی بکاهد (جوادی‌والا و همکاران، ۲۰۲۱)؛ برای نمونه جوادی‌والا و همکاران (۲۰۲۱) در مطالعه‌ای فراتحلیلی، اثربخشی آموزش‌های حوزه ارتقای رابطه و رضایت را در حد کم تا متوسط گزارش کرده‌اند؛ به همین دلیل نیز طی سال‌های اخیر به تدریج تمایل و علاقه برخی از روان‌شناسان به آموزش‌های التقاطی، ترکیبی و یکپارچه‌نگر در عرصه ارتقای متغیرهای مربوط به کیفیت رابطه زناشویی مانند صمیمیت افزایش یافته است (کاردان سورکی، حمزه‌گردشی، اسدپور، محمدپور و خانی، ۲۰۱۶). همچنین مطالعه حاضر مسیر رفع خلأ دانش علمی و کاربردی را برای به‌کارگیری نتایج پژوهش‌های قبلی در قالبی کاربردی دنبال کرده و درصدد گشودن مسیرهای استفاده کاربردی بیشتر از نتایج مطالعات علمی با یکپارچه‌سازی نتایج آن‌ها بوده است؛ بنابراین این پژوهش با توجه به خلأ دانش علمی در حوزه آموزش‌های یکپارچه‌نگر معطوف به توان‌بخشی روان‌شناختی متمرکز بر مهم‌ترین و پرتکرارترین متغیرهای مرتبط با میل به طلاق (شامل صمیمیت، تعهد زناشویی، مهارت‌های ارتباطی، طرحواره‌های روان‌شناختی، تعارض‌های زناشویی، بهزیستی روان‌شناختی، مهارت‌های زندگی، پرهیز از خشونت خانگی، هوش هیجانی و هوش معنوی) از اهمیت معطوف به‌روزآمدی و یکپارچه‌نگری کاربردی برخوردار است و با هدف تعیین اثربخشی بسته آموزشی توان‌بخشی روان‌شناختی بر تمایل به جدایی و صمیمیت زناشویی در زوجین در حال طلاق و با سوالات زیر اجرا شده است.

۱. میزان اثربخشی بسته آموزشی توان‌بخشی روان‌شناختی بر تمایل به طلاق میان زوج‌های متقاضی

1. spiritual intelligence
2. psychological rehabilitation

طلاق چه میزان است؟

۲. میزان اثربخشی بسته آموزشی توان‌بخشی روان‌شناختی بر صمیمیت زوج‌های متقاضی طلاق چقدر است؟

روش

جامعه، نمونه و روش اجرا

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری با گروه کنترل است. جامعه آماری ۳۰۰ زوج در حال طلاق در پاییز و زمستان سال ۱۳۹۸ در شهر اصفهان بودند که برای انجام جلسه‌های مشاوره از طرف دادگستری به مراکز مشاوره روان‌شناختی ارجاع داده شدند. از میان زوج‌های ارجاع‌شده، ۴۰ زوج به روش نمونه‌گیری دردسترس بر مبنای ملاک‌های ورود و خروج، با در نظر گرفتن ۲۰ زوج برای هر یک از دو گروه آزمایش و گواه، انتخاب و سپس به روش تصادفی ساده در دو گروه گمارده شدند. معیارهای ورود شامل تمایل و رضایت برای شرکت در پژوهش، پذیرش و تعهد به اصول و قواعد گروهی آموزش (از طریق امضای موافقت‌نامه میان پژوهشگر با شرکت‌کنندگان تأمین شد)، مبتلانی بودن به اختلالات روان‌شناختی مانند افسردگی، اضطراب و بیماری دوقطبی یا اختلالات مزمن مانند انواعی از روان‌پریشی‌ها قبل از دوره آموزش (که با انجام مصاحبه درباره علائم اختلال‌های اشاره‌شده با تک شرکت‌کنندگان پیش از شروع آموزش بررسی می‌شد) و قراردادن تحت درمان‌های روان‌پزشکی (دارودرمانی که به کمک مصاحبه با شرکت‌کنندگان از آن‌ها سؤال می‌شد). معیارهای خروج نیز شامل تمایل نداشتن به ادامه پژوهش، بروز علائم اختلالات روان‌شناختی مانند افسردگی، اضطراب و بیماری دوقطبی یا روان‌پریشی در طول دوره اجرای پژوهش، غیبت بیش از دو جلسه در دوره آموزش و قراردادن تحت درمان‌های روان‌پزشکی (دارودرمانی) هم‌زمان با اجرای دوره آموزشی در پژوهش حاضر بودند.

ابزارهای سنجش

مقیاس صمیمیت^۱ (IS)

این پرسشنامه را واکر و تامپسون (۱۹۸۳) ساخته‌اند و شامل ۱۷ سؤال است که مهر و صمیمیت زناشویی را اندازه‌گیری می‌کند. این مقیاس جزئی از یک ابزار بزرگ‌تر است که چندین بعد صمیمیت را در بر می‌گیرد، اما به کمک تهیه‌کنندگان آن، به صورت مقیاس مستقلی گزارش شده است. مقیاس پاسخ‌گویی در لیکرت هفت گزینه‌ای از ۱ = هرگز تا ۷ = همیشه است. دامنه نوسان نمرات بین ۱۱۹-۱۱۷ و نمره بالاتر نشانه صمیمیت بیشتر است. نمره هر پاسخ‌گو به کمک جمع نمرات سؤال‌ها و تقسیم آن بر عدد ۱۷ حاصل می‌شود. واکر و تامپسون (۱۹۸۳) پایایی این مقیاس را برحسب آلفای کرونباخ در دامنه ۰/۹۱ تا ۰/۹۷ محاسبه کرده‌اند، ولی

1. Intimacy Scale (IS)

شواهدی از روایی این مقیاس ارائه نکردند (ثنایی، ۱۳۷۹). در مقابل در مطالعات بعدی خارج از ایران شواهدی از روایی این مقیاس ارائه شده است؛ برای نمونه چان (۲۰۱۵) در مطالعه‌ای در هنگ‌کنگ، به‌منزله شواهدی از روایی سازه همگرای مقیاس صمیمیت همبستگی مثبت و معناداری را میان امتیازات حاصل از این مقیاس با رضایت از زندگی ($r=0/4$; $p<0/01$) و حمایت خانواده ($r=0/59$; $p<0/01$) ارائه کرده است. این مقیاس را ثنایی (۱۳۷۹) در ایران ترجمه و آماده اجرا کرده است. خزائی (۱۳۸۶) روایی همگرای این مقیاس را به کمک اجرای هم‌زمان با پرسشنامه صمیمیت باگروزی برابر با $0/82$ به دست آورد. اعتمادی، نوابی‌نژاد، احمدی و فرزاد (۱۳۸۵) در پژوهش خود آلفای کرونباخ این مقیاس را $0/96$ گزارش کردند. برای تعیین روایی محتوی و صوری ابتدا پرسشنامه را ۱۵ نفر از استادان مشاوره و ۱۵ نفر زوج بررسی و روایی صوری و محتوایی آن را تأیید کرده‌اند (اعتمادی و همکاران، ۱۳۸۵). در مطالعه حاضر آلفای کرونباخ این پرسشنامه $0/93$ به دست آمد.

مقیاس تمایل به جدایی^۱ (STS)

این پرسشنامه را اولین بار روزبلیت، جانسون و مورو (۱۹۸۶) طراحی کردند. این پرسشنامه یک ابزار ۲۸ سؤالی است که برای ارزیابی زوجین مستعد و متمایل به طلاق به کار می‌رود و ۴ بعد و هر بعد ۷ سؤال دارد. این ابعاد عبارت‌اند از: بعد تمایل برای خارج شدن (متمایل به طلاق)، بعد تمایل به مسامحه^۲، بعد ابراز احساسات^۳ و بعد وفاداری^۴. هر آیتم به کمک لیکرت هفت‌درجه‌ای (۱=هرگز، ۲=به ندرت، ۳=خیلی کم، ۴=کم، ۵=زیاد، ۶=خیلی زیاد، ۷=همیشه) نمره‌گذاری می‌شود. روزبلیت، جانسون و مورو (۱۹۸۶) آلفای کرونباخ را برای بعد خارج شدن یا متمایل بودن به طلاق برابر با $0/91$ ، برای بعد ابراز احساسات برابر با $0/76$ ، برای بعد وفاداری برابر با $0/63$ و برای بعد مسامحه برابر با $0/86$ گزارش کردند. والور سگورا، ماسیاس و لوزانو (۲۰۲۰) در مطالعه‌ای در اسپانیا تحلیل عامل تأییدی و روایی سازه عاملی این پرسشنامه را تأیید ($\chi^2(314), p>0/001, CFI=0/89, SRMR=0/08, RMSEA=0/037$) و به‌منزله شواهدی از روایی واگرا میان امتیازات حاصل از این مقیاس با وابستگی هیجانی رابطه منفی برابر با $0/27$ ($p<0/01$) و به‌منزله شواهدی از روایی همگرا با دل‌بستگی اضطرابی رابطه مثبت با $0/26$ ($p<0/01$) گزارش کرده‌اند. این پرسشنامه را داودی، اعتمادی و بهرامی (۱۳۹۰) در ایران استفاده و اجرا کرده‌اند. آلفای کرونباخ برای کل نمونه $0/88$ (برابر با $0/89$ برای زنان و $0/87$ برای مردان) به دست آمد. میزان آلفای کرونباخ برای خرده‌مقیاس‌های تمایل برای خارج شدن $0/89$ ، برای ابراز احساسات $0/90$ ، برای وفاداری $0/86$ و برای مسامحه $0/72$ به دست آمد.

روایی پرسشنامه را پنج نفر از متخصصان روان‌شناسی و مشاوره به صورت محتوایی بررسی کردند

1. Separation Tendency Scale (STS)
2. willingness to forgive
3. show emotion
4. loyalty

(داودی، اعتمادی و بهرامی، ۱۳۹۰). دهقانی ششده و یوسفی (۱۳۹۸) روایی سازه این پرسشنامه را به کمک تحلیل عاملی تأییدی پس از حذف یک سؤال با شاخص‌های برازش مطلوب (شاخص کای اسکور نسبی برابر با ۲/۸۷۱، مقدار TLI و CFI در حدود ۰/۹، شاخص RMSEA برابر با ۰/۰۴۳ و شاخص هولتر برابر با ۱۳۷) گزارش کردند. در مطالعه حاضر آلفای کرونباخ این پرسشنامه ۰/۸۹ به دست آمد.

آموزش توان‌بخشی روان‌شناختی تلفیقی

بسته آموزشی توان‌بخشی روان‌شناختی تلفیقی، برای اولین بار در این پژوهش براساس اجرای یک مرور نظام دار گسترده در حوزه متغیرهای روان‌شناختی قابل آموزش مرتبط با طلاق و جدایی در مقالات و پایان‌نامه‌ها (بیش از ۱۰۰ منبع) در این بخش استفاده شد. ابتدا با استخراج و طبقه‌بندی متغیرهای همبسته با تمایل به جدایی (تغییرپذیر و آموزش‌پذیر در مقابل تغییرناپذیر و آموزش‌ناپذیر) از پژوهش‌های انجام‌شده، با استفاده از معیارهای آموزش‌پذیر بودن، پرتکرار بودن در مطالعات گذشته و وابستگی کامل به حوزه روان‌شناسی، یازده متغیر شامل رضایت زناشویی، هوش هیجانی، طرحواره‌های روان‌شناختی، مهارت‌های ارتباطی، تعهد زناشویی، صمیمیت زناشویی، بهزیستی روان‌شناختی، هوش معنوی، خشونت علیه زنان، مهارت‌های زندگی و حل تعارض شناسایی و استخراج شد. پیش از شروع تدوین بسته آموزشی روان‌شناختی تلفیقی مدل تحلیل مسیر کمی بین تعهد زناشویی، صمیمیت زناشویی، طرحواره‌های ناسازگار اولیه، مهارت‌های ارتباطی، بهزیستی روان‌شناختی، هوش معنوی، خشونت علیه زنان، مهارت‌های زندگی و حل تعارض، رضایت زناشویی و هوش هیجانی با تمایل به طلاق و جدایی در یک نمونه ۲۷۵ نفری از زوجین در حال طلاق شهر اصفهان اجرا شد. پس از کسب اطمینان از برازش مدل مسیر متغیرهای یازده‌گانه اشاره‌شده با تمایل به جدایی و طلاق، به کمک تحلیل محتوای متعارف، فنون مورد نیاز برای آموزش متغیرهای یازده‌گانه مطرح‌شده در مدل کمی استخراج شد. سپس براساس بالاترین میزان ارتباط به دست‌آمده در مدل مسیر و همچنین بر مبنای دیدگاه‌های یک گروه تخصصی شامل شش روان‌شناس متخصص، بسته آموزشی توان‌بخشی روان‌شناختی تلفیقی به صورت اولیه تدوین و طی یک مطالعه مقدماتی بر متغیرهای تمایل به جدایی و صمیمیت زناشویی در قالب طرح تک‌گروهی با پیش‌آزمون و پس‌آزمون روی ۶ زوج داوطلب طی ۴ هفته اجرا شد. نتایج نشان می‌دهد بسته تدوین‌شده اولیه اثربخشی معناداری بر تمایل به جدایی و صمیمیت زوجین دارد. همچنین روایی تخصص بسته توان‌بخشی روان‌شناختی، فرم ارزیابی محتوا، فرایند، زمان، کفایت محتوا و کفایت کلی بسته آموزشی در قالب ۵ سؤال در اختیار ۶ داور متخصص روان‌شناس که سابقه تدریس، آموزش و درمان زوجی شدند قرار گرفت تا پس از مطالعه کامل بسته آموزشی، در هر یک از این ۵ سؤال نظر خود را اعلام کنند. ضریب کاپای کوهن به منزله ضریب توافق ۶ داور درباره محتوا، زمان، ساختار و کفایت بسته آموزشی بین ۰/۹ تا ۰/۹۵ و توافق کلی درباره مناسب بودن بسته آموزشی برای اجرا روی زوجین در معرض طلاق ۰/۹۲ به دست آمد.

روش اجرای پژوهش

روند اجرای مطالعه به این شکل بود که پس از قراردادادن تصادفی شرکت‌کنندگان به گروه آزمایش (آموزش توان‌بخشی روان‌شناختی) و گروه گواه، هر دو گروه با استفاده از پرسشنامه تمایل به طلاق و پرسشنامه صمیمیت زناشویی به‌منزله پیش‌آزمون ارزیابی شدند. سپس گروه آزمایش طی ۱۰ جلسه ۹۰-۷۵ دقیقه‌ای به‌صورت هفته‌ای یک جلسه به‌کمک متخصص روان‌شناس با سابقه بیش از دو دهه آموزش و درمان در مرکز کاهش طلاق بهزیستی آزموده شدند. گروه گواه، هیچ‌گونه آموزشی دریافت نکرد. با پایان‌یافتن جلسه‌های آموزش، گروه آزمایش و گروه گواه در مرحله پس‌آزمون و پیگیری (دو ماه بعد) بار دیگر دو پرسشنامه تمایل به طلاق و پرسشنامه صمیمیت را تکمیل کردند. ملاحظات اخلاقی مطرح و درنظر گرفته شده در مطالعه شامل رعایت اصل رازداری و استفاده از داده‌ها تنها برای اهداف پژوهش، آزادی کامل شرکت‌کنندگان برای انصراف از ادامه مشارکت در پژوهش در هر مرحله از پژوهش، درصورت درخواست شرکت‌کنندگان درباره نتایج پژوهش، آگاهی‌بخشی و ارائه صادقانه اطلاعات درخواست‌شده، کسب رضایت کتبی از شرکت‌کنندگان و آموزش گروه کنترل پس از اتمام آموزش گروه آزمایش، به شکل فشرده به‌کمک آموزش توان‌بخشی روان‌شناختی بودند (آگاهی، ۱۴۰۰). در جدول ۱، خلاصه جلسه‌های آموزشی توان‌بخشی روان‌شناختی زوج‌های در آستانه طلاق شده است.

جدول ۱. خلاصه جلسه‌های توان‌بخشی روان‌شناختی زوج‌های در آستانه طلاق

جلسات	هدف	توصیف کوتاه جلسه‌های آموزش
اول	آشنایی مقدماتی، راهبردها و متون حل تعارض‌های زناشویی	آشنایی، معرفی برنامه و بیان اصول قوانین، اجرای پیش‌آزمون، تعریف تعارض زناشویی و درک طبیعی بودن وجود تعارض میان زوجین، رویکردهای حل تعارض‌های زناشویی، راهبردهای ناکارآمد، راهبردهای کارآمد
دوم	تقویت و ارتقای تعهد زناشویی	مروری بر مباحث جلسه‌های قبل و بازنگری تکالیف جلسه قبل، آشنایی با مفهوم تعهد زناشویی و انواع تعهد، راهبردهای ارتقای تعهد زناشویی
سوم	راهبردها و متون ارتقای صمیمیت زناشویی	آشنایی با مفهوم صمیمیت زناشویی و انواع آن، ارائه کاربرگ و بازخورد اجرای راه‌حل‌ها و تکنیک‌های افزایش صمیمیت زناشویی، ارائه تمرین و تکلیف در منزل
چهارم	راهبردها و متون طرحواره‌درمانی	توضیح درباره طرحواره‌ها، منشأ طرحواره‌ها و نقش تجربه‌های اولیه در شکل‌گیری آن‌ها، انواع طرحواره‌های ناکارآمد و ارائه راهکارهایی برای تغییر طرحواره‌های ناکارآمد
پنجم	آموزش مهارت‌های زندگی	مهارت‌های زندگی و ضرورت آموزش آن‌ها در زندگی، شناخت مهارت‌های ده‌گانه زندگی، آشنایی با مهارت خودآگاهی، آموزش تکنیک پنجره جو و هری، آشنایی با مهارت همدلی، آموزش مهارت حل مسئله و تصمیم‌گیری
ششم	متون و راهبردهای ارتقای مهارت‌های ارتباطی	آموزش مهارت ارتباطی در افزایش رضایت زناشویی، پیام‌ها و انواع آن در ارتباط، مهارت‌های مربوط به شنونده، گفت‌وگوهای تخریب‌کننده، شناخت نقایص مهارت‌های ارتباطی و اجرای راهکارهای ارتقای روابط مثبت
هفتم	متون و راهبردهای ارتقای بهزیستی روان‌شناختی	مفهوم و تعریف بهزیستی روان‌شناختی و نظرسنجی از زوجین، ارائه مؤلفه‌های بهزیستی روان‌شناختی و آموزش آن‌ها
هشتم	راهبردها و متون ارتقای هوش هیجانی	تعریف هوش، هوش هیجانی، علائم هوش هیجانی پایین و بالا، شناسایی مؤلفه‌های هوش هیجانی و آموزش و تمرین ارتقای آن
نهم	راهبردها و متون ارتقای هوش معنوی	تعریف معنویت و هوش معنوی، ابعاد اصلی و مؤلفه‌های هوش معنوی، آموزش هوش معنوی، آموزش راهکارهای نظریه ده‌عاملی بازن، آموزش راهکارهای نظریه سیسک، ارائه مدل هوش معنوی، انجام تمرین‌های هوش معنوی
دهم	راهبردها و متون پیشگیری از خشونت در زندگی زناشویی	آشنایی با مفهوم پرخاشگری و انواع آن در روابط زناشویی، تکنیک‌های پیشگیری از پرخاشگری کلامی، واکنش به انتقادات، فن منحرف‌کردن، تکنیک‌های پیشگیری از پرخاشگری غیرکلامی، شناسایی رفتار پرخاشگرانه و علل آن، فنون مدیریت پرخاشگری، مهارت حل مسئله و مهارت ایجاد وقفه

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

داده‌های پژوهش با استفاده از تحلیل واریانس اندازه‌گیری مکرر که در آن هریک از آزمودنی‌ها در معرض بیش از یک متغیر مستقل قرار می‌گیرند و به کمک نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۴ تحلیل شد. هدف اساسی این طرح، به حداقل رساندن خطاهای ناشی از تفاوت‌های فردی است.

یافته‌ها

الف) توصیف جمعیت شناختی گروه نمونه

در هر دو گروه آموزش همبسته‌های روان‌شناختی طلاق و گروه کنترل، ۱۴ نفر (معادل ۷۰ درصد) در گروه تحصیلات تا دیپلم و ۴ نفر (معادل ۲۰ درصد) با تحصیلات فوق دیپلم و لیسانس و ۲ نفر (معادل ۱۰ درصد) دارای تحصیلات فوق لیسانس بودند. آزمون‌های دو با مقدار برابر $7/2$ و $P > 0/01$ نشان داد که فراوانی تحصیلات در دو گروه تفاوت معناداری ندارند. در متغیرهای طول سال‌های ازدواج در گروه آموزش توان‌بخشی روان‌شناختی ۸ نفر (۴۰ درصد) در گروه تا ۵ سال گذشته از ازدواج، ۴ نفر (۲۰ درصد) ۶ تا ۱۰ سال گذشته از ازدواج، ۸ نفر (۴۰ درصد) ۱۱ سال و بیشتر گذشته از سال‌های ازدواج بودند. در گروه گواه، ۸ نفر (۴۰ درصد) در گروه تا ۵ سال گذشته از سال‌های ازدواج، ۲ نفر (۱۰ درصد) ۶ تا ۱۰ سال گذشته از ازدواج و ۱۰ نفر (۵۰ درصد) ۱۱ سال و بیشتر گذشته از سال‌های ازدواج قرار داشتند. آزمون‌های دو با مقدار $0/88$ و $P > 0/05$ نشان داد که فراوانی طول سال‌های ازدواج در دو گروه تفاوت معناداری ندارد. در متغیر سن، در گروه آموزش توان‌بخشی روان‌شناختی ۸ نفر (۴۰ درصد) در گروه سنی تا ۳۰ سال، ۷ نفر (۳۵ درصد) در گروه سنی ۳۱ تا ۴۰ سال و ۵ نفر (۴۰ درصد) ۱۱ سال و بیشتر گذشته از سال‌های ازدواج بودند. در گروه گواه ۸ نفر (۴۰ درصد) در گروه تا ۵ سال گذشته از سال‌های ازدواج، ۲ نفر (۲۵ درصد) در گروه سنی ۴۱ سال و بالاتر و در گروه کنترل نیز ۱۰ نفر (۵۰ درصد) در گروه سنی تا ۳۰ سال، ۷ نفر در گروه سنی ۳۱ تا ۴۰ سال (۳۵ درصد) و ۳ نفر (۱۵ درصد) در گروه سنی ۴۱ سال به بالا قرار داشتند. آزمون‌های دو با مقدار برابر $0/72$ و $P > 0/05$ نشان داد فراوانی سن دو گروه تفاوت معناداری ندارد.

ب) شاخص‌های توصیفی متغیرها

میانگین و انحراف معیار سن در گروه آموزش همبسته‌های روان‌شناختی طلاق به ترتیب $35/90$ و $9/30$ و در گروه کنترل $33/10$ و $8/06$ بود. میانگین و انحراف معیار مدت ازدواج در گروه آموزش همبسته‌های روان‌شناختی طلاق به ترتیب $11/20$ و $8/08$ و در گروه کنترل $9/20$ و $8/29$ بود. آزمون t گروه‌های مستقل برای سن ($t = -1/02$; $p = 0/31$) و مدت ازدواج ($t = -0/77$; $p = 0/44$) نشان داد بین دو گروه تفاوت معناداری وجود ندارد. در جدول ۲ میانگین و انحراف معیار مراحل پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری تمایل به طلاق و صمیمیت زناشویی در گروه آزمایش و گروه گواه پژوهش آمده است.

جدول ۲. میانگین و انحراف معیار تمایل به طلاق و صمیمیت در سه گروه پژوهش در سه مرحله زمانی

متغیر	مرحله	آموزش همبسته‌های روان‌شناختی		گروه کنترل (گواه)
		انحراف معیار	میانگین	
تمایل به طلاق	پیش‌آزمون	۱۶/۲۶	۶۴/۰۵	۱۴/۳۴
	پس‌آزمون	۷/۸۵	۴۱/۰۵	۱۴/۳۴
	پیگیری	۱۲/۷۹	۴۷/۷۵	۱۱/۵۳
صمیمیت زناشویی	پیش‌آزمون	۱/۳۵	۲/۹۵	۰/۹۰
	پس‌آزمون	۰/۶۳	۴/۸۰	۱/۲۱
	پیگیری	۱/۲۳	۳/۳۴	۰/۶۶

با توجه به جدول ۲، در گروه آموزش همبسته‌های روان‌شناختی تمایل به جدایی در مرحله پس‌آزمون و پیگیری در مقایسه با گروه گواه کاهش چشمگیرتری را در میانگین تمایل به طلاق و افزایش صمیمیت زناشویی نشان داده‌اند.

ج) آزمون‌های نرمال

پیش از تحلیل واریانس اندازه‌های تکرار شده، پیش فرض نرمال بودن توزیع متغیرها به کمک آزمون شاپیرو-ویلک^۱ برای متغیر تمایل به طلاق (آماره شاپیرو-ویلک برابر با $۰/۹۵$ ($p=۰/۳۱$) و $۰/۹۶$ ($p=۰/۳۱$) به ترتیب برای پس‌آزمون و پیگیری) و صمیمیت زناشویی (آماره شاپیرو-ویلک برابر با $۰/۹۴$ ($p=۰/۰۳$) و $۰/۹۷$ ($p=۰/۱$) به ترتیب برای پس‌آزمون و پیگیری) و پیش فرض برابری واریانس‌های خطا به کمک آزمون لوین^۲ برای متغیر تمایل به طلاق (آماره لوین برابر با $۸/۲۳$ ($p=۰/۰۱$) و $۰/۳۴$ ($p=۰/۵۶$) به ترتیب برای پس‌آزمون و پیگیری) و صمیمیت زناشویی (آماره لوین برابر با $۶/۳۰$ ($p=۰/۰۲$) و $۶/۷۰$ ($p=۰/۰۱۴$) به ترتیب برای پس‌آزمون و پیگیری) بررسی و تأیید شد. آزمون ام باکس^۳ نیز برابری ماتریس واریانس-کوواریانس را برای تمایل به طلاق (آماره ام باکس برابر با $۱۷/۷۷$ و $p=۰/۰۷$) و صمیمیت زناشویی (آماره ام باکس برابر با $۱۸/۶۱$ و $p=۰/۰۶$) نشان داد. در نهایت آزمون مچلی^۴ پیش فرض کرویت برای تمایل به طلاق را تأیید کرد (آماره مچلی برابر با $۰/۹۶$ و $p=۰/۵۰$)، اما برای صمیمیت (آماره مچلی برابر با $۰/۶۵$ و $p=۰/۰۰۱$) پیش فرض کرویت تأیید نشد (برای این متغیر نتایج برحسب تصحیح درجه آزادی و از ردیف گرین هاوس گیزر^۵ گزارش شده است).

1. shapiro-wilk test
2. leven test
3. box's m test
4. mauchly's test
5. greenhouse-geisser

(د) آزمون فرضیه‌ها

در جدول ۳ نتایج تحلیل واریانس اندازه‌گیری مکرر برای تمایل به طلاق و صمیمیت زناشویی آمده است.

جدول ۳. نتایج تحلیل واریانس اندازه‌گیری مکرر برای متغیر تمایل به جدایی و صمیمیت

متغیر و منبع	اثر	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	ضریب F	معناداری	مجزور سهمی اتا	توان آزمون
تمایل به طلاق								
	زمان	۴۵۶۳/۲۲	۲	۲۲۸۱/۶۱	۷۳/۴۵	۰/۰۰۱	۰/۶۶	۱
درون گروهی	تعامل زمان × گروه	۱۷۳۲/۲۲	۲	۸۶۶/۱۱	۲۷/۸۹	۰/۰۰۱	۰/۴۲	۱
	خطا	۲۳۵۹/۹۰	۷۶	۳۱/۰۵	-	-	-	-
بین گروهی	گروه	۳۶۵۲/۰۳	۱	۳۶۵۲/۰۳	۸/۰۵	۰/۰۰۷	۰/۱۷۵	۰/۷۹
	خطا	۱۷۲۳۰/۵۰	۳۸	۴۳۵/۴۳	-	-	-	-
صمیمیت زناشویی								
	زمان	۱۹/۹۸	۲	۹/۹۹	۴۳/۳۹	۰/۰۰۱	۰/۵۳	۱
درون گروهی	تعامل زمان × گروه	۲۰/۱۳	۲	۱۰/۰۷	۴۳/۷۲	۰/۰۰۱	۰/۵۳	۱
	خطا	۱۷/۵۰	۵۶/۱۴	۰/۳۱	-	-	-	-
بین گروهی	گروه	۱۱/۲۶	۱	۱۱/۲۶	۴/۰۷	۰/۰۵	۰/۱۰	۰/۵۰
	خطا	۱۰۵/۱۳	۳۸	۲/۷۶	-	-	-	-

با توجه به جدول ۳، نتایج بخش مربوط به تمایل به طلاق نشان می‌دهد در عامل زمان ($F=۷۳/۴۵$) و ($p<۰/۰۱$) تمایل به جدایی در مراحل پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری و در تعامل زمان با گروه (گروه گواه و گروه آزمایش) ($F=۲۷/۸۹$ و $p<۰/۰۱$) تفاوت معناداری وجود دارد؛ به این معنا که بین پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری بین گروه آموزش همبسته‌های روان‌شناختی تمایل به جدایی و گروه کنترل تفاوت معنادار وجود دارد. همچنین چنان‌که در بخش نتایج مربوط به صمیمیت در حالت رعایت‌نکردن پیش‌فرض کرویت (آزمون گرین هاوس گیزر) در جدول ۴ مشاهده می‌شود، در عامل زمان ($F=۴۳/۳۹$ و $p<۰/۰۱$) بین پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری و در تعامل زمان با گروه (گروه گواه و گروه آزمایش) ($F=۴۳/۷۲$) و ($p<۰/۰۱$) تفاوت معناداری وجود دارد؛ به این معنا که بین پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری میان گروه آموزش همبسته‌های روان‌شناختی تمایل به جدایی و گروه گواه در صمیمیت زناشویی تفاوت معنادار وجود دارد. در جدول ۴ نتایج آزمون تعقیبی بونفرونی برای مقایسه دو گروه در متغیر تمایل به طلاق و صمیمیت زناشویی در پس‌آزمون و پیگیری ارائه شده است.

جدول ۴. نتایج آزمون بونفرونی برای مقایسهٔ پس‌آزمون و پیگیری دو گروه در تمایل به طلاق و صمیمیت

آزمون	گروه مینا	گروه مورد مقایسه	تفاوت میانگین‌ها	خطای استاندارد	معناداری
تمایل به طلاق					
پس‌آزمون	گواه	آموزش همبسته‌های روان‌شناختی	۱۹/۳۵**	۱/۹۶	۰/۰۰۱
پیگیری	گواه	آموزش همبسته‌های روان‌شناختی	۸/۵۹**	۱/۷۷	۰/۰۰۱
صمیمیت زناشویی					
پس‌آزمون	گواه	آموزش همبسته‌های روان‌شناختی	-۱/۷۳**	۰/۲۰	۰/۰۰۱
پیگیری	گواه	آموزش همبسته‌های روان‌شناختی	۰/۰۵	۰/۱۲	۰/۶۵

** $p < ۰/۰۱$

با توجه به جدول ۴ مشاهده می‌شود، در متغیر تمایل به طلاق و صمیمیت زناشویی هم در پس‌آزمون و هم در پیگیری گروه آموزش همبسته‌های روان‌شناختی تمایل به جدایی با گروه گواه تفاوت معناداری دارد ($p < ۰/۰۱$)؛ بنابراین اثربخشی بسته آموزشی همبسته‌های روان‌شناختی تغییرپذیر و آموزش‌پذیر تمایل به جدایی بر کاهش تمایل به طلاق و افزایش صمیمیت زناشویی بین زوج‌های متقاضی طلاق تأیید می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر تعیین اثربخشی آموزش توان‌بخشی روان‌شناختی بر میل به طلاق و صمیمیت زناشویی در زوج‌های در آستانه طلاق بود. در مطالعات گوناگون تاکنون طیف جداگانه‌ای از آموزش‌های استفاده‌شده در توان‌بخشی روان‌شناختی برای زوج‌های متقاضی طلاق یا زوج‌های ناراضی و متعارض در تأثیر بر صمیمیت زناشویی تأیید شده است؛ از جمله در مطالعه احمدی خویی، مهداد و کشتی آرای (۱۳۹۷) اثربخشی بسته آموزشی پیشگیری از طلاق (بهیمانی و قربان شیروودی، ۱۳۹۹)، اثربخشی درمان گروهی مبتنی بر پذیرش و تعهد (حسن‌زاده پشنگ و همکاران، ۱۳۹۳)، اثربخشی آموزش برنامه ارتباط زوجها (حیدرنا، نظری و سلیمانیان، ۱۳۹۳)، اثربخشی برنامه پیشگیری و بهبود رابطه (خجسته‌مهر و همکاران، ۱۳۹۴)، اثربخشی مشاوره زناشویی تلفیقی کوتاه‌مدت (علیخانی دارابی و همکاران، ۱۳۹۶)، اثربخشی مشاوره گروهی مبتنی بر تحلیل ارتباط متقابل بر صمیمیت زناشویی. با توجه به اینکه در بسته آموزشی توان‌بخشی روان‌شناختی زوجها نیز آموزش طیف به‌نسبت جامع و یکپارچه‌ای از مهم‌ترین همبسته‌ها و مهارت‌های حوزه زناشویی با مطالعات اشاره‌شده استفاده شده است، می‌توان گفت نتایج مطالعه حاضر با نتایج مطالعات اشاره‌شده همسویی دارد. در تبیین اثربخشی آموزش توان‌بخشی روان‌شناختی بر صمیمیت زناشویی زوج‌های در معرض طلاق، لازم است به محتوای آموزش مذکور و نقش هر یک از آموزش‌های استفاده‌شده توجه شود.

با توجه به مطالعات قبلی (آدامز و جونز، ۱۹۹۹؛ بین و همکاران، ۲۰۲۰؛ رحمتی و محبی، ۲۰۱۸؛ رکنی لموکی و همکاران، ۱۳۹۹؛ لی و همکاران، ۲۰۱۳؛ قربانی، حیدری‌راد و علمردانی صومعه، ۱۳۹۵؛ گاتمن و

لوینسون، ۲۰۰۲؛ گریف و مالهرب، ۲۰۱۷؛ نریمانی و بخشایش، ۱۳۹۳؛ نیک‌نام و تاج، ۱۳۹۸؛ هو و همکاران، ۲۰۱۹؛ یالسین و کاراهان، ۲۰۰۷)، صمیمیت، تعهد زناشویی، مهارت‌های ارتباطی، طرحواره‌های روان‌شناختی، تعارض‌های زناشویی، بهزیستی روان‌شناختی، مهارت‌های زندگی، خشونت خانگی، هوش هیجانی و هوش معنوی از متغیرهایی هستند که با تعارض و میل به طلاق ارتباط دارند. در بسته آموزشی توان‌بخشی روان‌شناختی، از آموزش این متغیرها با محوریت تلاش برای جلوگیری از وقوع طلاق استفاده شده است. با اشاره به نقش برخی از مهم‌ترین این موارد، به‌خوبی می‌توان به دلیل اثربخشی آموزش توان‌بخشی بر افزایش صمیمیت پی برد. با توجه به اینکه در بسیاری مواقع زوج‌های متمایل به طلاق، مهارت‌های برقراری ارتباط متناسب و مطلوب هیجانی به‌ویژه با تمرکز بر تبادل عشق، محبت و صمیمیت را ندارند، یا به‌دلیل وجود طرحواره‌های ناسازگار مانند طرد، محرومیت، یا قربانی شرایط و موقعیت بودن، رفتارها و اتفاقات پیرامون خود را در مسیری تعارض‌آفرین تفسیر می‌کنند، با ورود به آموزش توان‌بخشی روان‌شناختی، آشنایی با مهارت‌های ارتباطی کارآمدتر و تفسیر رخدادها و رفتارهای همسر و افراد نزدیک تأثیرگذار بر رابطه به شیوه‌ای متفاوت از قبل، به تدریج روابط عاری از محبت، صمیمیت، متعارض و استرس‌آفرین خود را در مسیر تبادل رفتارها و پیام‌های مثبت و محبت‌آمیز سوق می‌دهند. فراتر از آن آموزش اثرات مخرب روان‌شناختی خشونت و پرخاشگری در روابط و راه‌های مقابله با خشم و پرخاشگری در حین رابطه در کنار درک و مدیریت هیجان‌های خود و همسر و استفاده از ظرفیت‌های معنوی از طریق آموزش‌های هوش هیجانی و هوش معنوی، به شکلی هم‌افزا آثار آموزش مهارت‌های ارتباطی و مقابله با طرحواره‌های ناسازگار را تقویت می‌کند و به این وسیله بار دیگر از رفتارهای مقابله‌ای زهرآگین و مسموم برای روابط زناشویی سالم می‌کاهد.

این مجموعه سازوکارهای اثربخشی آموزش توان‌بخشی، مستلزم بستری از صمیمیت، تعهد و رضایت زناشویی، بهزیستی روان‌شناختی و دیگر مهارت‌های زندگی مانند بخشش خود و دیگران، شفقت و قناعت برای تداوم است. این بسترسازی تداوم اثربخشی فنون ارتقای مهارت‌های ارتباطی، طرحواره‌های سازگار، هوش هیجانی، هوش معنوی و پرهیز از خشونت، با آموزش‌های حوزه تعهد، صمیمیت بیشتر همراه با آموزش مهارت‌های زندگی فراهم شده است. همچنین فضای ارتباط زوجین در مقایسه با قبل که سرشار از تعارض و ناآرامی بوده است، به فضایی آرام، به‌نسبت سالم‌تر و متکی بر تبادل محبت و احترام متقابل تبدیل می‌شود. این تجربه نوین بدون رنج یا حداقل با رنج کمتر در مقایسه با گذشته، زوجین را به درک و تجربه جدیدی از یکدیگر رهنمون می‌کند که نتیجه بلافصل آن افزایش صمیمیت زناشویی است.

نتایج مربوط به اثربخشی آموزش توان‌بخشی روان‌شناختی بر کاهش میل به طلاق نیز با توجه به محتوای ترکیبی و یکپارچه این نوع آموزش و تمرکز بر همبسته‌ها و مهارت‌های مختلف رفتاری، هیجانی، عاطفی، شناختی و نگرشی میل به طلاق و جدایی، با نتایج مطالعات زیر همسویی دارد: نتایج اعلامی همکاران (۱۳۹۹) درباره اثربخشی رویکرد تلفیقی طرحواره‌درمانی مبتنی بر پذیرش و تعهد، نتایج مطالعه دشت‌بزرگی، عسگری و عسگری (۱۳۹۶) درباره اثربخشی آموزش شفقت به خود، نتایج مطالعه شاهمرادی و همکاران (۱۳۹۸) درباره اثربخشی آموزش رویکردهای تلفیقی هیجان‌مدار-گاتمن و راهبردی-راه‌حل‌محور،

نتایج پژوهش محمدی اژه‌ای و غلامعلی لواسانی (۱۳۹۷) درباره اثربخشی آموزش رویکرد هیجان‌مدار، یافته‌های مطالعه مشتاقی، نظری و سلیمانیان (۱۳۹۹) درباره اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباط صمیمانه، نتایج مطالعه نبوی حصار، عارفی و یوسفی (۱۳۹۶) بر طرحواره‌درمانی و نتایج پژوهش یحیایی‌راد و همکاران (۱۴۰۰) با محوریت اثربخشی آموزش الگوی ارتقای رضایت زناشویی بر کاهش میل به طلاق در زوج‌های متقاضی طلاق و یا زوج‌های متعارض و ناراضی. در تبیین اثربخشی آموزش توان‌بخشی روان‌شناختی بر کاهش میل به طلاق زوج‌های در معرض طلاق می‌توان به افزایش هم‌زمان صمیمیت که در بخشی از مطالعه حاضر نشان داده شد و به مجموعه سازوکارهای تقویت معطوف به احترام و رابطه متقابل محبت‌آمیز در کنار احساس آرامش و بالندگی در کنار همسر اشاره کرد. به نظر می‌رسد در حال حاضر و پس از سال‌ها مطالعه و پژوهش، اکنون بر این موضوع که زوج‌های مایل به طلاق جز در مواردی که اختلال‌های روان‌شناختی مزمن و مسئله‌آفرین و همچنین اختلال‌های شخصیتی مزمن در یک یا هر دو زوجین در میان است (آگاهی، ۱۴۰۰)، اغلب با موارد زیر مواجه هستند: سوءتعبیر و سوءتفسیر رفتارها و رخدادها، نبود درک هیجانی و عاطفی خود و همسر، ضعف مهارت‌های ارتباطی و مهارت‌های زندگی، ناتوانی یا غفلت در استفاده از ظرفیت‌های معنوی خود و همسر، توسل به خشونت و پرخاشگری برای حل مسائل به‌جای استفاده از روش‌های حل مسئله‌سازنده (کاظمی‌پور و خوشنویس، ۱۳۹۲؛ گاتمن و لوینسون، ۲۰۰۲). ضعف در موارد اشاره‌شده و توسل به راه‌حل‌های ناکارآمد و نامتناسب با نیازها و شرایط یکدیگر در زوج‌های مایل به طلاق، روزبه‌روز شرایط را بدتر و تیره‌تر می‌کند؛ به‌طوری‌که دیگر امکان ادامه مسیر در عمل برای آن‌ها وجود ندارد. فکر به طلاق یا اقدام برای آن نیز مانند بسیاری دیگر از موارد مطرح در تاریخچه رابطه زوج‌ها (از انتخاب و استفاده از راه‌حل‌های مخرب به‌جای راه‌حل‌های سازنده) شکلی از رفتار گریز از مخمصه است که استفاده می‌شود. با آموزش توان‌بخشی روان‌شناختی، زوجین به‌جای تجربه‌های تعارض-گرایش به گریز از زندگی مشترک از طریق طلاق، رویدادهایی جدید متکی بر مهارت‌های ارتباطی، مهارت‌های زندگی، مهار خشونت و پرخاشگری، تعهد، صمیمیت، سلامت روان و ذهن، تبادل، درک و مدیریت هیجان‌های خود و همسر و صمیمیت و رضایت زناشویی را جایگزین می‌کنند که در نتیجه سبب کاهش میل به طلاق در آن‌ها می‌شود. در مجموع نتایج نشان می‌دهد که آموزش توان‌بخشی روان‌شناختی به‌صورت اثربخشی به کاهش تمایل به طلاق و در مقابل ارتقای صمیمیت زناشویی در زوج‌های در معرض طلاق منجر می‌شود. علاوه‌براین آموزش توان‌بخشی روان‌شناختی بر افزایش صمیمیت و کاهش میل به طلاق زوجین در آستانه طلاق در مرحله پیگیری دوماهه پس از پایان جلسه‌های درمانی نیز مشخص کرد با افزایش زمان استفاده از مهارت‌های آموزش‌داده‌شده در طول دوره آموزش، این امکان در اختیار زوجین قرار گرفته است تا با مداومت در اجرای تکنیک‌های آموخته‌شده، صمیمیت زناشویی خود را افزایش و میل به طلاق را کاهش دهند. این شواهد برای تقویت مسیرها و تلاش‌های معطوف به پیشگیری از وقوع طلاق، اهمیت فراوانی دارد. کاهش میل به طلاق و افزایش صمیمیت زناشویی در زوج‌های در معرض طلاق، ظرفیت قابل‌توجهی برای تبدیل به پیامدهای مثبت در سطح خانواده‌ها و جامعه و در نهایت زمینه‌ساز ارتقای سلامت خانوادگی و اجتماعی

ایجاد می‌کند؛ به همین دلیل پیشنهاد می‌شود آموزش توان‌بخشی روان‌شناختی از سوی سازمان بهزیستی در هماهنگی با نظام دادگستری به‌عنوان راهبرد آموزشی مؤثر در مراکز مشاوره روان‌شناختی برای زوج‌هایی که عوامل روان‌شناختی فردی آن‌ها موجب تمایل به طلاق شده است، برنامه‌ریزی و اجرا شود. در پایان نیز لازم است به محدودیت‌های مطالعه حاضر از جمله استفاده از نمونه‌گیری دردسترس، نبود سنجش اعتیاد، سلامت روان یا سابقه طلاق، بررسی نکردن داشتن فرزند و استفاده از پرسشنامه خودگزارش دهی که ممکن است گاهی با مطلوب‌نمایی اجتماعی همراه شود، توجه لازم شود. محدودیت دیگر این است که مطالعه حاضر درباره زوج‌های متقاضی طلاق و جدایی انجام گرفت که به سیستم دادگستری برای انجام مراحل قانونی طلاق مراجعه کرده بودند؛ بنابراین برای زوج‌های متعارض یا ناراضی که هنوز وارد پروسه طلاق قانونی نشده‌اند، تعمیم نتایج باید با احتیاط صورت بگیرد. در راستای محدودیت‌های اشاره‌شده پیشنهاد می‌شود در مطالعات آینده از روش‌های انتخاب تصادفی برای نمونه‌گیری همراه با سنجش و ارزیابی احتمالی اعتیاد، سلامت روان و بررسی سابقه طلاق قبلی استفاده شود. همچنین برای دستیابی به اطلاعات عمیق‌تر، پیشنهاد می‌شود در آینده در کنار استفاده از پرسشنامه‌ها و مقیاس‌های خودگزارش‌دهی، از مصاحبه نیز برای بررسی وضعیت و تغییرات حاصل از شرکت در دوره‌های آموزش توان‌بخشی و گروه‌های نمونه زوج‌های متعارض و ناراضی که متقاضی رسمی طلاق نیستند، استفاده شود.

منابع

- آگاهی، ب. (۱۴۰۰). تدوین مدل همبسته‌های روان‌شناختی طلاق و اثربخشی بسته آموزشی مبتنی بر این مدل بر تمایل به جدایی، صمیمیت زناشویی، تعهد زناشویی و مهارت‌های ارتباطی زوجین در حال طلاق شهر اصفهان. *رساله دکتری روان‌شناسی عمومی*. دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان).
- احمدی خویی، ش.، مهداد، ع.، و کشتی آرای، ن. (۱۳۹۷). تدوین بسته آموزشی پیشگیری از طلاق و تعیین اثربخشی آن بر صمیمیت و کیفیت ارتباط زوجین. *مطالعات علوم اجتماعی ایران*. ۱۵(۳)، ۱-۱۷.
- اعتمادی، ع.، نوابی‌نژاد، ش.، احمدی، ا.، و فرزاد، و. (۱۳۸۵). بررسی تأثیر زوج‌درمانی به شیوه ایماگو‌تراپی بر افزایش صمیمیت زوجین مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره در شهر اصفهان. *پژوهش‌های مشاوره*. ۵(۱۹)، ۲۲-۵.
- اعلمی، م.، تیموری، س.، آهی، ق.، و بیاضی، م. ح. (۱۳۹۹). اثربخشی رویکرد تلفیقی طرحواره‌درمانی مبتنی بر پذیرش و تعهد بر کاهش تعارضات زناشویی و میل به طلاق زوجین متقاضی طلاق. *تحقیقات علوم رفتاری*. ۱۱(۱)، ۱۴۱-۱۳۲.
- امیربیک، م.، اکبری امرغان، ح.، فریبرزی، ا.، و نجات، ح. (۱۴۰۰). مقایسه اثربخشی زوج‌درمانی رفتاری التقاطی و درمان تلفیقی طرحواره مبتنی بر پذیرش و تعهد بر رضایت زناشویی زنان مبتلا به مولتیپل اسکروزیس. *مجله دانشگاه علوم پزشکی سبزوار*. ۲۸(۳)، ۴۶۷-۴۶۷.
- انجمن روان‌پزشکی آمریکا (۱۳۹۴). *راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی DSM5*. ترجمه فرزین رضاعی، علی فخرایی، اتوسا فرمند، علی نیلوفری، ژانت هاشمی آذر و همکار. تهران: کتاب ارجمند.

- بهبهانی، م.، و قربان شیروودی، ش. (۱۳۹۹). اثربخشی درمان گروهی مبتنی بر پذیرش و تعهد بر صمیمیت زناشویی و رضایت جنسی زنان پیش‌یائسه. *فصلنامه روان‌شناسی کاربردی*. ۱۴(۴)، ۳۸۹-۳۶۹.
- ثنایی، ب. (۱۳۷۹). مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج. چاپ اول. تهران: مؤسسه انتشارات بعثت.
- حسن‌زاده پشنگ، س.، دبیرمقدم، م.، شریفیان، م.، و صفاری‌نیا، م. (۱۳۹۳). بررسی اثربخشی آموزش برنامه ارتباط زوج‌ها بر کیفیت زندگی و صمیمیت زناشویی زنان ناراضی از زندگی زناشویی شهر تهران. *مطالعات روان‌شناختی*. ۱۰(۳)، ۷۸-۴۷.
- حیدرنیا، ا.، نظری، ع. م.، و سلیمانیان، ع. ا. (۱۳۹۳). اثربخشی برنامه پیشگیری و بهبود رابطه بر افزایش صمیمیت زناشویی زوج‌ها. *مطالعات روان‌شناسی بالینی*. ۴(۱۵)، ۷۸-۶۱.
- خجسته‌مهر، ر.، احمدی قوزلوجه، ا.، سودانی، م.، و شیرالی‌نیا، خ. (۱۳۹۴). اثربخشی مشاوره زناشویی تلفیقی کوتاه‌مدت بر صمیمیت عاطفی و کیفیت زناشویی زوجین. *روان‌شناسی معاصر*. ۱۰(۲)، ۴۰-۲۹.
- خزائی، س. (۱۳۸۶). بررسی تأثیر آموزش تمایز یافتگی بر میزان صمیمیت و سطح تمایز یافتگی زوج‌ها. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*. دانشگاه تربیت معلم تهران.
- داودی، ز.، اعتمادی، ع.، و بهرامی، ف. (۱۳۹۰). رویکرد کوتاه‌مدت راه‌حل‌محور برای کاهش میل به طلاق در زنان و مردان مستعد طلاق. *فصلنامه رفاه اجتماعی*. ۱۱(۴۳)، ۱۳۴-۱۲۱.
- دشت‌بزرگی، ز.، عسگری، م.، و عسگری، پ. (۱۳۹۶). اثربخشی آموزش شفقت خود بر میل به طلاق و نگرش‌های صمیمانه زنان متأهل مراجعه‌کننده به مرکز مشاوره خانواده. *دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*. ۱۱(۱)، ۴۵-۳۸.
- دهقانی‌شده، ز.، و یوسفی، ز. (۱۳۹۸). مدلسازی معادلات ساختاری میل به طلاق بر اساس متغیرهای سیستمی (مثلث‌سازی، رابطه با همسر) و متغیرهای روان‌شناختی (توافق‌پذیری و شیوه‌های کنترل) و متغیر اجتماعی (نحوه گذراندن اوقات فراغت) مادران شهر اصفهان. *خانواده‌پژوهی*. ۱۵(۱)، ۱۷۰-۱۵۵.
- رکنی لموکی، ج.، پاشا، ر.، حافظی، ف.، و شمس، ج. (۱۳۹۹). اثر شرکت در کارگاه قبل از ازدواج آموزش مهارت‌های زندگی بر کیفیت زندگی در زوجین دانشجوی. *فصلنامه پژوهشنامه تربیتی*. ۱۵(۶۲)، ۱۱۴-۹۹.
- زاهد بابلان، ع.، حسینی شورابه، م.، پیری کامرانی، م.، و دهقان، ف. (۱۳۹۴). مقایسه رضایت زناشویی، تعارض زناشویی و بخشش در زوجین عادی و در حال طلاق. *آسیب‌شناسی، مشاوره و غنی‌سازی خانواده*. ۱(۲)، ۸۴-۷۴.
- سازمان ثبت احوال کشور (۱۳۹۵). *شمارش رویدادهای حیاتی*. بازیابی از www.sabteahval.ir در تاریخ ۱۴۰۰/۱/۲۰.
- شاهمرادی، ح.، صادقی، م.، گودرزی، ک.، و روزبهانی، م. (۱۳۹۸). اثربخشی رویکردهای تلفیقی هیجان‌مدار-گاتمن و راهبردی-راه‌حل‌محور بر کاهش میل به طلاق. *روان‌شناسی خانواده*. ۶(۲)، ۸۶-۷۱.
- علیخانی دارابی، ف.، مهرابی، آ.، حسینی دشتی، ش.، و علیخانی، ع. (۱۳۹۶). اثربخشی مشاوره گروهی مبتنی بر تحلیل ارتباط متقابل بر دلزدگی زناشویی و صمیمیت زوجین. *مجله اصول بهداشت روانی*. ۱۹(۳)، ۳۱۱-۳۱۸.
- قربانی، ف.، حیدری راد، ح.، و علمردانی صومعه، س. (۱۳۹۵). مقایسه هوش هیجانی و دلزدگی عاطفی در زنان متقاضی طلاق و زنان عادی. *مجله دستاوردهای روان‌شناسی بالینی*. ۲(۴)، ۳۶-۲۱.
- کاظمی‌پور، ش.، و خوشنویس، ا. (۱۳۹۲). فراتحلیل مطالعات انجام‌شده در زمینه سطح، روند و تعیین‌کننده‌های طلاق

- در ایران و کشورهای منتخب طی سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۶۵. *دوفصلنامه مطالعات جمعیتی*. (۱/۱)، ۵۹-۳۳.
- محمدی، م.، اژه‌ای، ج.، و غلامعلی لواسانی، م. (۱۳۹۷). اثربخشی آموزش رویکرد هیجان‌مدار بر دلزدگی زناشویی و میل به طلاق در زوجها. *مجله روان‌شناسی*. ۲۲/۸۸، ۳۶۲-۳۷۸.
- مشتاقی، س.، اصغرنژاد فرید، ع. ا.، و احقر، ق. (۱۳۹۹). اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباط صمیمانه بر شفافیت ارتباط زناشویی و میل به طلاق در زوجها. *نشریه علمی روان‌شناسی اجتماعی*. ۸/۵۵، ۱۳۲-۱۲۳.
- نبوی‌حصار، ج.، عارفی، م.، و یوسفی، ن. (۱۳۹۶). مقایسه اثربخشی خانواده‌درمانی مبتنی بر دیدگاه نظام‌های خانوادگی بوئن و معنادرمانی بر کیفیت زناشویی و میل به طلاق مراجعین خواستار طلاق. *روان‌شناسی خانواده*. ۴/۲، ۶۰-۴۳.
- نریمانی، م.، و بخشایش، ر. (۱۳۹۳). اثربخشی آموزش پذیرش و تعهد بر بهزیستی روان‌شناختی، هیجانی و رضایت زناشویی زوجین در معرض طلاق. *پژوهش‌های مشاوره*. ۱۳/۵۲، ۱۲۸-۱۰۳.
- نیک‌نام، م.، و تاج، ط. (۱۳۹۸). پیش‌بینی ناپایداری ازدواج براساس متغیرهای هوش هیجانی و هوش معنوی در یک جمعیت غیربالیینی از زنان. *مطالعات زن و خانواده*. ۱۳/۷، ۲۹-۹.
- یوسفی، ن. (۱۳۹۰). مقایسه اثربخشی دو رویکرد خانواده‌درمانی مبتنی بر طرحواره‌درمانی و نظام عاطفی بوون بر میل به طلاق در مراجعان متقاضی متارکه. *روان‌شناسی بالینی*. ۳/۳، ۶۴-۵۳.
- یوسفی، ن. (۱۳۹۱). تأثیر گشتالت‌درمانگری و معنادرمانگری بر کاهش میل به طلاق مردان متقاضی مشاوره. *مشاوره و روان‌درمانی خانواده*. ۷/۱، ۱۵۹-۱۵۰.
- یحیایی راد، ع.، سلیمی بجستانی، ح.، عسگری، م.، و فرحبخش، ک. (۱۴۰۰). تدوین الگوی ارتقای رضایت زناشویی و بررسی اثربخشی آن در کاهش گرایش به طلاق. *فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده*. ۱۵/۵۳، ۸۴-۵۵.

References

- Adams, J. M., & Jones, W. H. (1999). Interpersonal commitment in historical perspective: Handbook of interpersonal commitment and relationship stability. New York: Kluwer Academic/ Plenum.
- Bean, R. C., Lederman, T., Higinbotham, B. J., & Galliher, R. V. (2020). Associations between relationship maintenance behaviors and marital stability in remarriages. *Journal of Divorce & Remarriage*, 61(1), 62-68.
- Chan, W. C. H. (2015). Intimacy as a distinct construct: Validating the intimacy scale among older adults of residential care homes in Hong Kong. *The Open Family Studies Journal*, 7, 60-67.
- Cribbet, M. R., Smith, T. W., Uchino, B. N., Baucom, B. R. W., & Nealey-Moore, J. B. (2020). Autonomic influences on heart rate during marital conflict: Associations with high frequency heart rate variability and cardiac pre-ejection period. *Biological Psychology*, 151, 107-112.
- Fallesen, P. (2021). Decline in rate of divorce and separation filings in Denmark in 2020 compared with previous years. *Sociological Research for a Dynamic World*, Retrieved from <https://srd.sagepub.com>

- Gottman, G. M., & Levenson, R. W. (2002). A two-factor model for predicting when a couple will divorce: Exploratory analyses using 14-year longitudinal data. *Journal of Family Process*, 41, 83-96.
- Greef, A. P., & Malherb, H. L. (2017). Intimacy and marital satisfaction in spouses. *Journal of Sex & Marital Therapy*, 27(3), 247-256.
- Halford, W. K., Sanders, M. R., & Behrens, B. C. (2001). Can skills training prevent relationship problems in at-risk couples? 4 year effects of a behavioral relationship education program. *Journal of Family Psychology*, 15(3), 135-154.
- Hou, Y., Jiang, F., & Wang, X. (2019). Marital commitment, communication and marital satisfaction: An analysis based on actor-partner interdependence model. *International Journal of Psychology*, 54(3), 369-376.
- Javadivala, Z., Allahverdipour, H., Asghari Jafarabadi, M., Azimi, S., Gilani, N., & Chattu, V. K. (2021). Improved couple satisfaction and communication with marriage and relationship programs: are there gender differences? A systematic review and meta-analysis. *Systematic Reviews*, 10, 178.
- Kamali, Z., & Allahyar, N., Ostovar, S., Alhabshi, S. M. S. S. M., & Griffiths, M. (2020). Factors that influence marital intimacy: A qualitative analysis of Iranian married couples. *Cogent Psychology*, 7(1), 1-17.
- Kardan-Souraki, M., Hamzehgardeshi, Z., Asadpour, I., Mohammadpour, R. A., & Khani, S. (2016). A review of marital intimacy-enhancing interventions among married individuals. *Global Journal of Health Science*, 8(8), 74-93.
- Karimi, R. Bakhtiyari, M., & Masjedi Arani, A. (2019). Protective factors of marital stability in long-term marriage globally: a systematic review. *Epidemiology and Health*, 41, e2019023.
- Li, Q., Kirby, R. S., Sigler, R.T., Hwang, S. S., Lagory, M. E., & Goldenberg, R. L. (2013). Multilevel analysis of individual, household and neighborhood correlates of intimate partner violence among low income pregnant women in Jefferson County, Alabama. *American Journal of Public Health*, 11(2), 420-449.
- Minnotte, K. L., Pedersen, D., & Mannon, S. (2010). The emotional terrain of parenting and marriage: Emotion work and satisfaction. *The Social Science Journal*, 47(4), 747-761.
- Mirgain, S., & Cordova, J.V. (2017). Emotion skills and marital health: The association between observed and self-reported emotion skills, intimacy and marital satisfaction. *Journal of Social and Clinical Psychology*, 26(3), 941-967.
- Patrick, S., Sells, J. N., Giordano, F. G., & Tollerud, T. R. (2007). Intimacy, differentiation and personality variables as predictors of marital satisfaction. *The Family Journal*, 15, 359-367.
- Provencher, V.C., Begin, M. P. G., Girouard, A., Tremblay, S., Boivin, S., & Lemieux, S. (2008). Personality traits in overweight and obese women: Associations with BMI and eating behaviors. *Eating Behaviors*, 9(3), 294-302.
- Rahmati, R., & Mohebi, Z. (2018). The relationship between spiritual and emotional intelligence and sexual satisfaction of married women. *Journal of Education and Health Promotion*, 7, 162.
- Rossi, F. S., Holtzworth-Munroe, A., & Rudd, B. N. (2016). Intimate partner violence

- and child custody. In L. Drozd, M. Saini, & N. Olesen (Eds.), *Parenting plan evaluations: Applied research for the family court*. pp. 346-373.
- Rusbult, C. E., Johnson, D. J., & Morrow, G. D. (1986). Determinants and consequences of exit, voice, loyalty, and neglect: Responses to dissatisfaction in adult romantic involvements. *Human Relations*, 39(1), 45-63.
- Snyder, D. K., & Mitchell, A. E. (2008). Affective-reconstructive couple therapy: A pluralistic, developmental approach. In A. S. Gurman (Ed.), *Clinical Handbook of Couple Therapy* (pp. 353-382). The Guilford Press. <https://psycnet.apa.org>
- Valor-Segura, I., Macías, M. G., & Lozano, L. M. (2020). Adaptation of the Accommodation among Romantic Couples Scale (ARCS) to the Spanish population. *Psicothema*, 32(1), 145-152
- Walker, A. J., & Thompson, L. (1983). Intimacy and intergenerational aid and contact among mothers and daughters. *Journal of Marriage and Family*, 45(4), 841-849.
- Wissing, M.P., Schutte, L., Liversage, C., Entwisle, B., Gericke, M., & Keyes, C. (2021). Important goals, meanings, and relationships in flourishing and languishing states: Towards patterns of well-being. *Applied Research Quality Life*, 16, 573-609.
- Yalcin, B. M., & Karahan, F. T. (2007). Effects of a couple communication program on a marital adjustment. *Journal of the American Board of Family Medicine*, 20(1), 36-44.
- Young, E., & Long, L. L. (2007). *Counseling and Therapy for Couples*. Brooks/Cole Publishing Company: USA. <https://www.resolutioncounseling.com>
- Yoo, H., Bartle-Haring, S., Day, R. D., & Gangamma, R. (2014). Couple communication, emotional and sexual intimacy, and relationship satisfaction. *Journal of Sex and Marital Therapy*, 40(4), 275-293.